

عامل تیراندازی در بهشت زهرا:

می خواستم شاکیان را با تبر سانم

خیلی از افرادی که پشت میله‌های زندان به سر می‌برند ِجوب اعتماد بی‌جای خود به دیگران را می‌خورند. این افراد با نیت خیر خواهانه اقدام به کمک می‌کنند اما وقتی با عمل نکردن طرف مقابل به تعهداتش مواجه می‌شوند به جای کمک گرفتن از پلیس دست به دادگاه کیفری های شخصی می‌زنند. در پرونده‌ای که روز گذشته در دادگاه کیفری یک استان تهران بررسی شد مردی میانسال، دو برادر را که به تعهدشان عمل نکرده بودند با شلیک گلوله مجروح کرده است.

به گزارش خبرنگار ما، فروردین سال ۹۵ مأموران کالتری ۱۶ امصطفی خمینی از حادثه تیراندازی در یکی از قطعه‌های بهشت زهرا با خبر شده و در محل حاضر شدند. بررسی‌ها نشان داد دو برادر به نام‌های مجید و سیامک در جریان حادثه تیراندازی مجروح و به بیمارستان منتقل شدند. عامل حادثه هم مردی ۶۰ساله به نام ناصر بود که حاضران او را بازداشت کرده بودند. همسر مجید گفت: «هر اسم چهلم مادر شوهرم بود و همراه بستگان در آرمگاه خانواده‌گی من مشغول انجام مراسم بودیم که مردی میانسال از کیفی که روی دوشش انداخته بود اسلحه کمربی بیرون آورد و به شوهرم و برادر او تیراندازی کرد. آن مرد در حال فرار بود که یکی از اقوام دنبالش کرد و خودروی تیبای سفیدش را متوقف کرد. او همچنان به تیراندازی

ادامه می‌داد که او را گرفت و اسلحه را از دستش بیرون کشید.» ضارب به پلیس آگاهی منتقل شد و در بازجویی‌ها با اقرار به جرمش درباره انگیزه جرم گفت: «۱۴ سال است مسند ملکی‌ام به خاطر وامی که دو برادر گرفته بودند در وثیقه بانک بود. به خاطر عدم پرداخت اقساط، بانک قصد داشت خانام را بفروشد. در این سالها نتوانستم مشکلم را با آنها حل کنم این شد که به فکر انتقام افتادم.» با اقرارهای متهم، پرونده کامل و به شعبه دهم داد‌گاه کیفری یک استان تهران فرستاده شد و صبح دیروز روی میز هیئت قضایی همان شعبه به ریاست قاضی قریان‌زاده قرار گرفت. ابتدای جلسه وکیل شاکیان گفت: یکی از برادران از ناحیه نخاع و دیگری از ناحیه فک و گردن به شدت آسیب دیده‌اند و امکان حضور در جلسه را ندارند. او با تقدیم لایحه به داد‌گاه برای متهم در خواست شد مجازات کرد. سپس متهم که به دلیل وضعیت دشوار جسمانی آزاد بود، در جایگاه ایستاد و در شرح ماجرا گفت: «سالها با مجید و سیامک دوست بودم و آنها صاحب یک کارخانه چوب بود، اما ورشکسته شده بودند. به همین دلیل از من خواستند سند ملکی‌ام را در اختیارشان بگذارم تا بتوانند ۸۰میلیون تومان وام بگیرند. قبول کردم تا اگر از کارشان باز شود اما آنها در طول این مدت اقساط بانک را پرداخت نکردند و حالا ۲۸۰میلیون وام به یک‌میلیارد تومان تبدیل شده است. این شد که بانک خانام را برای فروش گذاشت و صحبت با آنها هم بی‌فایده بود.» متهم در ادامه گفت: «بنا آنها شدند سر بی‌بری به بدبختی بیفتم و هر باری که با آنها صحبت می‌کردم می‌گفتند «صبر کن».» ۴ سال صبر کردم اما خودم را بیچاره کردم و در این سالها زندگی‌ام خراب شد و پسرم گودکشی کرد. این شد که روز حادثه تصمیم گرفتم به قیرستان بروم و با نشان دادن اسلحه و شلیک به دیوارهای ششسان آنها را برتسامم که ناخوسته تیرها به آنها خورد.» متهم در آخرین دفاعش گفت: «فقط می‌خواستم آنها را تهدید کنم تا مبلغ وام و اقساط را تسویه کنند که سند خانام آزاد شود. باور کنید قصد نداشتم به آنها آسیبی برسد.» متهم در خصوص تهیه اسلحه گفت: «یک سال و نیم قبل از حادثه آن را از کردها به مبلغ ۵۰۰هزار تومان خریدم. انگیزه‌های برای استفاده نداشتم و فقط به خاطر علاقه به اسلحه آن را خریدم.» در پایان هیئت قضایی جهت صدور رأی وارد شور شد.



وارد شدن به رابطه‌های دوستی تحت تأثیر نداشتن مهارت‌های زندگی و گروه‌های همسال یکی از آسیب‌هایی است که مدام دختران نوجوان را تهدید می‌کند. این دختران عمدتاً تحت تأثیر القانات دروغین پسران، وارد رابطه با آنها می‌شوند اما باز دست دادن حیثیت اجتماعی‌شان چاره‌ای جز خارج شدن از رابطه‌ای که به سیاهی رسیده ندارند. پلیس فتای تهران چندروز قبل فریبکار فریبکار را بازداشت کرده که با فریب دختری نوجوان در شبکه اینستاگرام به او تعرض کرده و با تهدید انتشار فیلم رابطه، اقدام به اخاذی کرده است. به گزارش خبرنگار ما، چندی قبل دختری ۱۷ساله به نام ناهید همراه خانواده‌اش وارد پلیس فتای تهران شد و از مردی فریبکار به اتهام تعرض و اخاذی شکایت کرد. ناهید در شرح ماجرا گفت: هنگام پرسه در شبکه اجتماعی اینستاگرام با پسری به نام دانیال آشنا شدم. ما باری مدتی در اینستاگرام با هم ارتباط داشتیم تا اینکه دانیال گفت که من علاقه‌مند شده و درخواست ملاقات حضوری کرد که قبول نکردم. مدتی که گذشت دانیال اصرار به ملاقات کرد و خواست به خانه‌اش بروم. به هر حال با چرب زبانی اعتمادم را جلب کرد و من هم راهی خانه‌شان شدم. دختر نوجوان ادامه داد: آن روز وقتی وارد خانه‌شان شدم متوجه شدم که تنهاتم. خواستم از خانه خارج شوم که انگهگان به من حمله کرد و من را به شدت کتک زد. بعد به زور به من تعرض کرد. از اتفاق شومی که برابم افتاده بود به شدت ترسیده بودم. روی بازگشت به خانه را هم نداشتم اما چاره‌ای هم نداشتم و جایی برای رفتن پیش‌روی خودم نمی‌دیدم. ناهید گفت: این پایان ماجرا نبود. یک روز بعد از ماجرا دانیال تماس گرفت و گفت که از رابطه سیاه فیلم گرفته و اگر به درخواستش عمل نکنم فیلم را منتشر می‌کند. حالا ترسم از ماجرا بیشتر شده بود. اگر فیلم به دست خانواده‌ام می‌رسید باید چه می‌کردم؟ دانیال درخواست پول کرده بود. برای تهیه پول النگوهایم را فروختم و ۷میلیون تومان به حسابش ریختم. امیدوار بودم که او دست از مزاحمت‌هایش بردارد اما دانیال دوباره تماس گرفت و در خواست رابطه کرد و گفت که به خواستش عمل نکنم فیلم را منتشر می‌کند. این بار چاره‌ای جز شکایت نداشتم برای همین به اینجا آمدم‌ام تا از پلیس درخواست کمک کنم. بعد از مطرح شدن شکایت تیمی از کارآگاهان پلیس فتای تهران به دستور بازپرس وارد عمل شده و ۱۹دی‌ماه دانیال ۲۵ساله را بازداشت کردند. متهم در بازجویی‌ها به جرمش اعتراف کرد و گفت: برای اجرای نقش‌ام گوشی تلفن همراه را در خانه جاسازی و از رابطه‌ام فیلم گرفته بودم و قصد اخاذی بیشتر داشتم که با شکایت دختر نوجوان گرفتار شدم. سرهنگ توح کاطلی، رئیس پلیس فتای تهران گفت: بعد از اعتراف متهم پرونده در اختیار مقام قضایی قرار گرفت. سرهنگ کاطلی در پایان گفت: متهم برای سیر مراحل قانونی در اختیار مقام قضایی قرار گرفته است.

حجوادان

سرویس حوادث ۸۸۹۸۴۳۵

دستبرد اتباع غیرمجاز به خانه‌های اعیانی



شدم که از خانام سرقت شده است. کارآگاهان در بازرسی از محل سرقت متوجه شدند که سارق با سارقان از محل نگهداری پول و طلا و امردی سالخورده که ساکن محله نارمک بود به کالتتری ۲۷انارمک گزارش داد. او گفت: سارقان با دستبرد شبانه به خانه‌اش یکصدمیلیون تومان پول و طلاسرت کرده‌اند. بعد از مطرح شدن شکایت پرونده به دستور قاضی شعبه سوم بازپرسی دادسرای ناحیه ۸تهران که پایگاه چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ فرستاده شد. پیرمرد در توضیح بیشتر ماجرا گفت: شب حادثه خانه یکی از بستگام مهمان بودم. وقتی به خانه برگشتم متوجه

می‌کنیم. او گفت: من از مدتی قبل این باندا را تشکیل دادم. ابتدا آگهی‌های نظافت منازل را در کوچه و خیابان‌ها پخش می‌کردیم. بعد از تماس مشتری‌ها وارد خانه‌هایشان می‌شدیم. اگر صاحبخانه وضع مالی خوبی داشت هنگام نظافت همه جای خانه را تحت نظر می‌گرفتم و جای پول، طلا و اشیای قیمتی را شناسایی می‌کردیم. همچنین راه ورود به خانه را به خوبی شناسایی می‌کردیم. در گام بعد منتظر می‌ماندیم تا ساکنان شب هنگام خانه را ترک کنند. بعد از به دست آمدن این فرصت یک نفر به عنوان زاغزن بیرون خانه کشسیک می‌داد

و گروه سه یا چهار نفره وارد خانه شده و به راحتی مر تکب سرقتی می‌شدیم. متهم ادامه داد: طلاهای سرقتی را هم به یک طلافروش افغان را برای نظافت به خانه‌شان راه داده‌اند. از آنجا که همه سرقت‌ها به یک شیوه رقم خورده بودند کارآگاهان اطمینان پیدا کردند که باند اتباع افغان به همین شیوه مشغول دستبرد به خانه‌های شهروندان هستند بنابراین تحقیقات برای بازداشت آنها به جریان افتاد تا اینکه ۱۷دی‌ماه مخفیگاه اعضای باند در منطقه خاک سفید شناسایی شد و همگی در عملیات ضربتی بازداشت شدند. سردهست باند گفت: ما همگی اتباع افغان و به صورت غیرمجاز در ایران زندگی

امده تا با ما زندگی کند. من هم قبول کردم اما این خوشحالی هم چند روزی بیشتر دوام نیآورد تا اینکه روزی که من بیمار بودم به بهانه اینکه امیر مهدی را برای تزریق واکسن دو ماهگی به خانه بهداشت ببرد. از وی بیرون برد و دیگر به خانه برگشت. خانه ادامه داد: پس از این همراه بستگانم خیلی بدنبال امیر مهدی و شوهرم گشتم اما فایده نداشت. با وجود اینکه لدم گرم بود امیر مهدی در نزدیکی من است خانواده‌ام

اصرار می‌کردند که شوهرم او را به افغانستان برده است و بدین گونه تلاش‌هایم برای پیدا کردن گشتم با بیان یافت، اما در این مدت هیچگاه دلسم آرام نگرفت تا اینکه مدتی قبل پسر خاله‌ام روزنه امیدی برای پیدا کردن امیر مهدی به من نشان داد. پسر خاله‌ام گفت ما مردی به نام ایرج در قهوه پسر و یک دختر دنیا می‌آورد اما دخترش چندسال بعد فوت می‌کند و الان دو پسر به نام‌های صادق و محسن دارد. پسر خاله‌ام روزی ایرج را همراه پسر نوجوانی دیده بود که شبیه من بود. ایرج گفته بود که پسرش صادق است که ۱۴سال قبل از مرد افغانی خریده است. ایرج بعد از شنیدن ماجرای زندگی من ابتدا ادعا می‌کند که دروغ گفته است و اصلاً صادق فرزند او نیست و او دوست پسرش است اما در نهایت قبول می‌کند که صادق را از مرد افغانی خریده است. زن میانسال ادامه داد: تلاش کردم به پسرم برسیم که در نهایت ایرج قبول کرده بود در صورتی که برای او یک دستگاہ گوشی همراه گرانتیمت بخرم و یکمیلیون پول بدهم رضایت می‌دهد که پسرم را از نزدیک ببینم که قبول کردم اما روزی که برای دیدن صادق به قهوه‌خانه رفتیم خسری از ایرج نبود و او هم مثل شوهرم ناگهان ناپدید شد و الان به اداره پلیس آمدم تا ایرج را پیدا کنید و مرا به پسرم پس از ۱۴سال برسانید.

خردیار نوزاد ۲ ماهه در زندان بود
با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی ایرج در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های مأموران نشان داد ایرج که مرد معتاد و خلافکاری است مدتی قبل به اتهام سرقت دستگیر شده و به دستور قاضی روانه زندان فشافویه شده است. صبح دیروز در حالی که زن میانسال برای پیگیری پرونده‌اش به دادسرا آمده بود قاضی سهرابی دستور داد ایرج را برای تحقیق از زندان به اداره پلیس منتقل کنند. بدین ترتیب به زودی با بازجویی از مرد زندانی را زم گم شدن نوزاد دو ماهه پس از ۱۴ سال بر ملا می‌شود.



۱۴ سال قبل نوزاد آمد و من اسم او را امیر مهدی گذاشتم. دو ماه از تولد امیر مهدی گذشته بود که شوهرم دوباره پیدا شد و ادعا کرد دلش برای بچه تنگ شده و

مرد **یک معدنچی زیر آوار سنگ** فرمانده انتظامی شهرستان نور از مرگ کارگر معدن در حادثه ریزش سنگ خبر داد. سرهنگ محمد زمان شالیبار گفت: در پی کسب خبری از مرکز فوریت‌های پلیسی ۱۱۰ مبنی بر ریزش معدن در یکی از معدن شهرستان نور، مأموران انتظامی بخش چمستان سریعاً به محل حادثه اعزام شدند. وی افزود: مأموران با حضور در محل حادثه در بررسی‌های اولیه در یافتند در این حادثه، یکی از کارگران معدن جان خود را از دست داده است. وی گفت: علت حادثه در دست بررسی است.

مرد **۶۳ساله‌ای به خاطر هیجان تماشای تیم فوتبال ایران و کشور یمن که دچار سکته قلبی شده بود به کام مرگ رفت.** به گزارش خبرنگار ما، ساعت ۱۶:۵۰ عصر روز پنج‌شنبه ۲۰دی‌ماه مأموران کالتری ۱۲۹ جامی با تماس تلفنی کارکنان بیمارستانی از مرگ مشکوک مرد میانسالی با خبیر و راهی محل شدند. مأموران در بیمارستان با جسد مرد ۶۰ساله‌ای روبه‌رو شدند که شامگاه ۱۷دی‌ماه بر اثر سکته قلبی به بیمارستان منتقل شده بود. بررسی‌های مأموران نشان داد مرد ۶۰ساله در حال تماشای فوتبال بین تیم ملی ایران و تیم کسور یمن بوده که پس از زن پنج‌مین گل به تیم یمن به خاطر هیجان زیاد حالش بد و به بیمارستان منتقل می‌شود که تیم پزشکی اعلام می‌کند وی به خاطر هیجان دچار سکته قلبی شده است. در پایان تحقیقات جسد مرد فوت شده برای انجام آزمایش‌های لازم به دستور بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران به پزشکی قانونی منتقل شد.

امیر مهدی که صادق نام دارد در مدرسه‌ای مشغول به تحصیل است. پسر خاله‌ام گفت ایرج به من گفته بود که ابتدای ازدواجش همسرش باردار نمی‌شده و به همین خاطر قبل پسر خاله‌ام روزنه امیدی برای پیدا کردن امیر مهدی به من نشان داد. پسر خاله‌ام گفت ما مردی به نام ایرج در قهوه پسر و یک دختر دنیا می‌آورد اما دخترش چندسال بعد فوت می‌کند و الان دو پسر به نام‌های صادق و محسن دارد. پسر خاله‌ام روزی ایرج را همراه پسر نوجوانی دیده بود که شبیه من بود. ایرج گفته بود که پسرش صادق است که ۱۴سال قبل از مرد افغانی خریده است. ایرج بعد از شنیدن ماجرای زندگی من ابتدا ادعا می‌کند که دروغ گفته است و اصلاً صادق فرزند او نیست و او دوست پسرش است اما در نهایت قبول می‌کند که صادق را از مرد افغانی خریده است. زن میانسال ادامه داد: تلاش کردم به پسرم برسیم که در نهایت ایرج قبول کرده بود در صورتی که برای او یک دستگاہ گوشی همراه گرانتیمت بخرم و یکمیلیون پول بدهم رضایت می‌دهد که پسرم را از نزدیک ببینم که قبول کردم اما روزی که برای دیدن صادق به قهوه‌خانه رفتیم خسری از ایرج نبود و او هم مثل شوهرم ناگهان ناپدید شد و الان به اداره پلیس آمدم تا ایرج را پیدا کنید و مرا به پسرم پس از ۱۴سال برسانید.

امیر مهدی که صادق نام دارد در مدرسه‌ای مشغول به تحصیل است. پسر خاله‌ام گفت ایرج به من گفته بود که ابتدای ازدواجش همسرش باردار نمی‌شده و به همین خاطر قبل پسر خاله‌ام روزنه امیدی برای پیدا کردن امیر مهدی به من نشان داد. پسر خاله‌ام گفت ما مردی به نام ایرج در قهوه پسر و یک دختر دنیا می‌آورد اما دخترش چندسال بعد فوت می‌کند و الان دو پسر به نام‌های صادق و محسن دارد. پسر خاله‌ام روزی ایرج را همراه پسر نوجوانی دیده بود که شبیه من بود. ایرج گفته بود که پسرش صادق است که ۱۴سال قبل از مرد افغانی خریده است. ایرج بعد از شنیدن ماجرای زندگی من ابتدا ادعا می‌کند که دروغ گفته است و اصلاً صادق فرزند او نیست و او دوست پسرش است اما در نهایت قبول می‌کند که صادق را از مرد افغانی خریده است. زن میانسال ادامه داد: تلاش کردم به پسرم برسیم که در نهایت ایرج قبول کرده بود در صورتی که برای او یک دستگاہ گوشی همراه گرانتیمت بخرم و یکمیلیون پول بدهم رضایت می‌دهد که پسرم را از نزدیک ببینم که قبول کردم اما روزی که برای دیدن صادق به قهوه‌خانه رفتیم خسری از ایرج نبود و او هم مثل شوهرم ناگهان ناپدید شد و الان به اداره پلیس آمدم تا ایرج را پیدا کنید و مرا به پسرم پس از ۱۴سال برسانید.

خردیار نوزاد ۲ ماهه در زندان بود
با طرح این شکایت پرونده به دستور قاضی سهرابی، بازپرس شعبه نهم دادسرای امور جنایی تهران برای شناسایی ایرج در اختیار تیمی از کارآگاهان اداره یازدهم پلیس آگاهی قرار گرفت. بررسی‌های مأموران نشان داد ایرج که مرد معتاد و خلافکاری است مدتی قبل به اتهام سرقت دستگیر شده و به دستور قاضی روانه زندان فشافویه شده است. صبح دیروز در حالی که زن میانسال برای پیگیری پرونده‌اش به دادسرا آمده بود قاضی سهرابی دستور داد ایرج را برای تحقیق از زندان به اداره پلیس منتقل کنند. بدین ترتیب به زودی با بازجویی از مرد زندانی را زم گم شدن نوزاد دو ماهه پس از ۱۴ سال بر ملا می‌شود.



کنسروهای شیشه‌ای به اندونزی نرسید

جاسازی مخدر شیشه در کنسروهای غذا، جاسازی مخدر گل در کیک‌های مخصوص جشن و پارتنی و مخفی کردن تریاک در لوله‌های پلیکا شیشه‌های بود که سوداگران مرگ برای قاچاق موادمخدر از آن استفاده می‌کردند. سرهنگ محمدبخشنده، رئیس پلیس مبارزه با موادمخدر از انهدام شبکه‌های قاچاق مواد مخدر در تهران خبر داد که به این شیوه‌ها اقدام به سوداگری سرگ می‌کردند.

به گزارش خبرنگار ما، سرهنگ بخشنده گفت: اعضای این باندها در دو هفته گذشته شناسایی و بازداشت شدند. اعضای یکی از این باندها که اقدام به جاسازی مواد مخدر شیشه در کنسروهای خوراکی کرده بودند در فرودگاه امام خمینی (ره)، بازداشت شدند. وی ادامه داد: کنسروهای خوراکی، حاوی ۱۷کیلوگرم شیشه بود و قاچاقچیان قصد داشتند این کنسروها را به اندونزی قاچاق کنند که گرفتار پلیس شدند. رئیس پلیس مبارزه با مواد مخدر تهران همچنین از بازداشت چهار قاچاقچی موادمخدر خبر داد که کیک‌های اغشسته به مخدر گل را در فضای مجازی به فروش می‌رساندند. وی گفت: از اعضای این باند ۲کیلو و ۷۵۰گرم کیک اغشسته به ماده مخدر گل کشف کرده‌اند و چهار متهم پرونده هم بازداشت شده‌اند. اعضای این باند کیک‌های الوده را در مهمانی‌ها، پارتنی‌ها و تولدها توزیع می‌کردند به طوری که در هر یک کیلوگرم از کیک‌ها مقدار ۵۰۰گرم ماده مخدر شیشه مخلوط کرده بودند. وی همچنین از متلاشی شدن باند توزیع هروین در پایتخت خبر داد و گفت: چهار عضو این باند در جریان تحقیقات پلیس بازداشت شدند و از مخفیگاه متهمان ۲۵۰کیلوگرم هروین کشف شد. سرهنگ بخشنده همچنین از کشف ۱۷۸کیلوگرم مخدر تریاک جاساز شده در لوله پلیکا که در باک یک اتوبوس مسافربری در ترمینال جنوب جاسازی شده بود خبر داد و گفت: اعضای این باند هم که پنج نفر بودند بازداشت شدند. وی همچنین گفت: در دو هفته گذشته ۴۴قاچاقچی که در قالب پنج باند توزیع موادمخدر و فعالیت داشتند و همچنین ۵۴۰۳خرد فروش اعضای موادمخدر بازداشت شدند. سرهنگ بخشنده گفت: از اعضای این باندها یک‌تن انواع موادمخدر کشف و ۹۸دستگاه خودرو و موتورسیکلت توقیف شد.



باند علی جنی متلاشی شد

دو مجرم سابقه‌دار که سوار بر موتورهای ان‌اس اقدام به سرقت سربالی گوشی‌های تلفن همراه در غرب تهران می‌کردند بازداشت شدند. به گزارش خبرنگار ما، این پرونده از شش‌ماه قبل و همزمان با طرح شکایات‌های زیادی که در باره سرقت گوشی‌های تلفن همراه از شش‌تهران گزارش می‌شد در دستور کار کارآگاهان پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران قرار گرفت. شاکیان به پلیس گشته بودند که سارقان دو پسر ۲۴و ۲۵ساله هستند که سوار بر موتورهای ان‌اس قرمز، سفید و مشکی اقدام به سرقت می‌کنند.

در حالی که مدام بر تعداد شکایات‌ها اضافه می‌شد مأموران پلیس سرانجام با بررسی شکایات‌های مطرح شده و تصاویر دوربین‌های مدار بسته موفق شدند دو متهم را شناسایی کنند. همچنین به به‌علی جنی معروف بوداز مجرم سابقه دار بودند که بارها به اتهام جرم مختلف بازداشت شده و به زندان افتاده بودند. بعد از شناسایی دو متهم کارآگاهان مخفیگاه محسن را شناسایی و ساعت چهار باامداد دوروز قبل او را در مخفیگاهی بازداشت کردند. علی جنی، متهم دوم اما محل زندگی مشخصی نداشت اما مأموران پلیس با اطلاعاتی که همدست او در اختیار کارآگاهان گذاشت موفق شدند او را هم بازداشت کنند. دو متهم در بازجویی‌ها به سرقت بیش از ۲۰۰گوشی تلفن همراه در غرب تهران اعتراف کردند. محسن گفت: من و همدستم از شش‌ماه قبل کار سرقت گوشی‌را شروع کردیم. هر روز دو یا سه سرقت انجام می‌دادیم و هنگام غروب راهی خیابان مولوی می‌شدیم و گوشی‌های سرقتی را بین ۵۰۰هزار تومان یا چند میلیون تومان به فروش می‌رساندیم. پول سرقتی را هم صرف خرید مشروب یا مواد مخدر می‌کردیم. سرهنگ کارآگاه محسن معظمی گودرزی، رئیس پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ گفت: سارق ترک‌نشین روی لاله گوش خود دارای خالکوبی ستاره و روی گردنش هم خالکوبی دیگری دارد. وی گفت: تحقیقات برای شناسایی جرم‌های بیشتر متهمان به دستور قاضی شعبه سوم بازپرسی ناحیه ۲۴تهران در پایگاه دوم آگاهی تهران بزرگ در جریان است. سرهنگ معظمی گودرزی از کسانی که گوشی تلفن همراهشان در مدت شش‌ماه گذشته در غرب تهران به این شیوه سرقت شده برای شناسایی سارقان به پایگاه دوم پلیس آگاهی تهران بزرگ به آدرس جنت‌آباد، شاهین شمالی مراجعه کنند.

یکشنبه ۲۳ دی ۱۳۹۷ | ۶جمادی‌الاول ۱۴۴۰